



۲۰۱۵/۰۸/۲۵



پوهندوی دکتور محمد نعیم اسد

تغییر و تبدیل مقررات اصولنامه تجارت و تعلیماتنامه مالیات بر عایدات افغانستان به ارتباط حسابداری و بیلانس ساختن¹

پیشگفتار

اصولنامه تجارت افغانستان در سال 1336 شمسی نافذ شد². مواد این اصولنامه مطابق به شرایط اقتصادی افغانستان در آن زمان بود؛ اما باگذشت زمان و با وجود انکشافات جدید در ساحات مختلفه، در تنوع معاملات تجارتي و در جرایم اقتصادی و در تدوین مواد ضروری مربوط به امور حسابداری از قبیل اصول حسابداری منظم، شکل، ترتیب و دسته بندی ارقام بیلانس، اصول ارزیابی ارقام حسابات اختتامیه (بیلانس، حساب مفاد و ضرر و گزارش اقتصادی یک موسسه اقتصادی) در اصولنامه تجارت توجهی خاصی به عمل نیامده است. اما در تعلیمات نامه مالیات بر عایدات که اساس آن «تعلیماتنامه محاسبه تصدیهای دولتی و تصدیها مختلط» که در سال 1351 در مطبوعه صکوک کابل به طبع رسیده است و در سال 1389 با یک سلسله تغییرات تدوین شد. این تعلیماتنامه حاوی سه ماده در باره نگهداری اسناد و دفاتر محاسبه در نهاد های مکلف به تأدیبه مالیات بر عایدات (ماده سی و نهم)، موجودی و قیمت گذاری مواد بکاربرد تجارت در اخیر سال (ماده چهارم) و تنقیص و تزئید ارزش در موجود اسناد بهادار نهاد هائی یاد شده که مشغول تجارت اسناد بهادارانند (ماده پنجاه و هفتم) می باشد. بعد از روی کار آمدن جمهوریت اسلامی اصولنامه تجارت بدون تغییرات مجدداً به چاپ رسید. فقدان مواد متذکره در اصولنامه تجارت و کاستی ها در تعلیمات نامه مالیات بر عایدات باعث می شود تا همیش بین وزارت مالیه و موسسات اقتصادی مالیه ده در قسمت اندازه واقعی مالیات بر عواید اختلاف و کشیدگی ایجاد شود و زمینه برای گریز مالیه و فساد اداری مساعد گردد. در این رساله تحقیقی کوشش می شود تا همان موضوعاتی مطرح بحث قرار گیرند که ارتباط نزدیک به اصول منظم حسابداری، ترتیب، دسته بندی، قیمت گذاری و ارائه ارقام بیلانس یا تراز دارند. البته تغییر و تکمیل سایر مواد اصولنامه تجارت و تعلیماتنامه مالیات بر عایدات مربوط به کارشناسان و علمای حقوق تجارت، حقوق اقتصادی و حقوق مالیاتی وزارت های مربوطه می باشند و بهتر است هرچه زوتر درباره اقدامات لازمه را به عمل آرند. به عقیده نویسنده وظیفه حسابداری نه تنها درج وقایع حسابی روز مره بالای حسابات مربوطه و ترتیب حسابات اختتامیه (بیلانس، حساب مفاد و ضرر و گزارش اقتصادی) سال معاملاتی می باشد، بلکه حسابداری وظایف بسیار مهمی دیگر را از قبیل تثبیت نتیجه نی دقیق و واقعی، ارائه معلومات در باره وضع اقتصادی تصدی، آمادگی و نگهداری اسناد مؤثق برای حسابداری و ارائه معلومات برای علاقمندان تصدی از قبیل: دولت، مالکین، مدیران تصدی، سرمایه گذاران ممکنه، بانکهای

¹ این اثر تحقیقی در اخیر ترجمه کتاب حسابداری دوجانبه غرض معلومات علاقمندان به اجازه مولفین کتاب متذکره جاگرتین شده است. این اثر علمی که چاپ هشتم آن در سال 2009 به عمل آمده است، از طرف پروفیسران آلمانی هر یک به نامهای Werner H. Egenlhard, Hanz Raffée و Barbara Wischermann تحریر، از طرف نویسنده ترجمه شده و از طرف مرکز ملی تحقیقات پالیسی پوهنتون کابل (به حمایه بنیاد کنراد انیناور آلمانی) به نشر رسیده است. اهمیت اثر متذکره در این است که به حیث ممد درسی در اکثر موسسات تحصیلات عالی آلمان مورد استفاده قرار می گیرد.

² قابل یاد آوری است که به نظرشاد روان استاد عبد الواسع سراج که در سال دوم پوهنخی حقوق استاد مضمون حقوق تجارت نویسنده بود) در آن زمان هنوز پوهنخی اقتصاد از پوهنخی حقوق جدا نشده بود)، اصولنامه تجارت افغانستان به اساس روحیه حقوق تجارت ترکیه و این حقوق به اساس قانون تجارت آلمان تدوین شده است. و نویسنده به همین دلیل مستقیماً طبق توضیحات حقوق تجارت آلمان استدلال می نماید.

معامله دار، کارمندان، مشتریان، تهیه کنندگان مواد و ملزومات، اتحادیه های کارگران، اتحادیه های رشتوی، بورسه ها و رسانه ها انجام میدهد.

نیود اساسات حسابداری، کمبود محاسبین فنی و نبود حسابرس های قانونی که مطالبات و خواسته های متذکره را بر آورده سازند، مشکلات زیادی را در افغانستان در قسمت حسابداری و مالیه دهی موسسات اقتصادی بوجود آورده است. حسابداری به حیث منبع معلومات اقتصادی برای تأمین علایق گروه های ذیل دارای اهمیت می باشد:

الف: مالکین تصدی و سرمایه گذاران ممکنه در آینده

مالکین تصدی و سرمایه گذاران ممکنه در قدم اول در باره حفظ ارزش ذاتی تصدی³ در آینده علاقمند اند. به عبارت دیگر سرمایه گذاری علاقمندان در تصدی نه تنها در مدت کوتاه مفاد آور باشد بلکه در یک مدت دراز ارزش حقیقی سرمایه آنها نیز افزایش یابد یا لا اقل حفظ گردد.

محتویات معلوماتی که حسابداری به مالکین سرمایه ارائه میدارد، تابع شکل حقوقی تصدی⁴ و طرز حسابداری می باشد. در شرکت های اشخاص و تصدی های انفرادی (شرکتهای تضامی و تضامنی مختلط) که نقش مالکین سرمایه در تصمیم گیری تصدی خیلی بارز است و بعضاً مالکین در عین حال مدیر تصدی هم می باشند، معلومات لازم اقتصادی تصدی مربوطه بدون هر نوع محدودیت به اختیار مالکین سرمایه قرار می گیرد و این معلومات دست اول می باشد. چون مالکین در عین حال مدیران اند، پس هر معلوماتی را که بخواهند بدون قید و شرط از مدیر محاسبه و شعبات مربوطه (خاصاً شعبه Controlling) بدست می آرند؛ زیرا آنها بدون معلومات کافی و دست اول بودن آن، قادر به تصمیم گیری مؤثقی و مؤثر بوده نمی توانند. اما هرگاه تعداد مالکین در شرکت های اشخاص بیشتر شود و مالکین مجبور به استخدام مدیران فنی گردند، پس باید یک قسمت صلاحیت تصمیم گیری هم به آنها تفویض گردد. بنابراین به این طریق محتویات معلومات ارائه شده به مالکین کاهش می یابد. در شرکت های سرمایوی (سهامی و محدود المسؤولیت) و کوپراتیف ها با تعداد زیاد سهامداران و اعضا (کوپراتیف ها)، معلومات ارائه شده منحصر به معلوماتی است که در اخیر سال توسط حسابات اختتامیه (بیلائس و حساب نفع و ضرر و گزارش) به نشر میرسد و این معلومات اولاً آنقدر مفصل نیست که هر فرد بدون داشتن معلومات قبلی از آن استفاده نماید و دوم اینکه حسابات اختتامیه مقطعه ئی و مربوط به یک روز معین می باشد که واقعات حسابی تصدی در یک دوره یا زمان حسابی از آن استنباط شده نمی تواند. و اما حجم معلومات اقتصادی درباره تصدی هائیکه قانوناً به بورسه اسناد بهادار راه دارند و اسهام آنها در بورسه مورد معامله قرار می گیرند، بیشتر است؛ زیرا صرف به اساس معلومات کافی، عرضه و تقاضا و معامله اسهام یا اسناد قرضه چنین تصدی ها در بورسه ممکن می باشد.

برای اینکه علایق سرمایه گذاران و مالکین سرمایه حفظ شده بتواند، باید در اصولنامه تجارت افغانستان و حقوق مالیاتی، مقررات در باره دسته بندی اقلام بیلائس، حساب مفاد و ضرر، اساسات دفتر داری منظم و اساسات بیلائس کردن (ترتیب بیلائس) منظم و قیمت گذاری قیمت تدوین گردد تا طبق آن تصدی ها در افغانستان حسابات اختتامیه خویش را ترتیب نمایند. باین طریق برای تصدی ممکن نیست که وضع اقتصادی خویش را غریبتر یا غنی تر از آنچه واقعیت است، ارائه نمایند. مزید

³ ارزش ذاتی تصدی یا ارزش حقیقی یک تصدی وقتی تأمین شده می نواند که تصدی در یک مدت طویل با رعایت پیشرفت های تکنالوژی و اقتصادی و تورم پولی به فعالیت و عملکرد های خود ادامه داده بتواند.

⁴ نویسنده طبق نظریه Gutenberg (یکی از علمای معروف جرمنی در علم اقتصاد فعالیتگاه که در سالهای دهه 1950 و 1960 استاد دانشگاه کولون جرمنی بود) تصدی را به حیث شکل حقوقی و ساختاری فعالیت گاه می شناسد. در آثار آلمانی بین این دو اصطلاح یعنی تصدی (Unternehmung) و فعالیت گاه یا تشبثگاه یا بُنگاه (Betrieb) جدی تر تفکیک به عمل می آید (مقایسه شود):

Günther Wöhe, Einführung in die Betriebswirtschaftslehre, . Aufl. Vahlen Verlag, München 2002, S. 2ff

در پوهنخی های اقتصاد افغانستان اصطلاحات تصدی و فعالیت گاه یا تشبثگاه به صورت مترادف بکار برده می شود. اما نویسنده بین او دو اصطلاح مخصوصاً به ارتباط مسایل حقوقی و موضوعات مربوطه امور حسابی (از قبیل حسابداری، سنحش مصارف، تحلیل بیلائس، احصائیه و حسابداری) تفکیک می کند. بنابر این تفکیک، فعالیتگاه محلی است که در آن عوامل تولید (قوای بشری و وسایل کار و مواد کار) با برنامه ریزی منظم توسط مدیریت یا منجمنت ترکیب می شود. بناءً منجمنت به حیث عامل چهارمی عوامل تولید در اقتصاد فعالیت گاه تعریف می شود. تصدی عبارت از شکل حقوقی و ارتباطی فعالیت گاه با خارج از فعالیت گاه می باشد. طبق نظریه گوتنبرگ تصدی یک پدیده اقتصاد بازار است و تابع نظام نیست، در حالی که فعالیت گاه نابع نظام اقتصادی نبوده در هر دو نظام اقتصادی (اقتصاد بازار و سوسیالستی) وجود دارد. تصدی از جهتی پدیده اقتصاد بازار است که با اساس اصل اعظمی ساختن مفاد اجرای فعالیت می کند.

برآن طبق مقررات متذکره تصدی ها مکلف می گردند، تا در دسته بندی و ارزیابی اقلام بیلانس از اصل استمرار و تداوم استفاده نمایند و به این طریق زمینه مقایسه زمانی را برای تحلیل گران حسابات اختتامیه میسر سازند.

ب - دولت

دولت نظر به دلایل آتی در زمره گروه مهم ذیعلاقه تصدی قرار می گیرد:

1 - مالیاتی که از طرف تصدی به دولت اعطا می شود، مانند مالیات بر عایدات، مالیه مؤسساتی، مالیه حرفه‌ای و مالیه افزود ارزش (value added)، مهمترین انگیزه علاقه مندی دولت را به تصدیهای اقتصادی تشکیل می دهد. در پهلوی این مالیات مستقیم، انواع دیگر مالیات که بارتباط فعالیت های تولیدی و اقتصادی تصدیها از سایر مالیه دهندگان به دفا تر مالیه جریان می کند. مانند مالیه مزد و معاش کارمندان، مالیه دارائی ها و حاصل و مالیه کارگاه یا حرفه.

2 - دولت در چوکات سیاست اقتصادی، رشد اقتصادی و استخدام کامل هم علاقمند انکشاف و تداوم فعالیت های اقتصادی تصدیها می باشد. زیرا در بالا دیده شد که نه تنها مالیات مستقیم تصدی ها بلکه سایر مالیاتی که ناشی از فعالیت های تولیدی و توزیعی تصدی ها اند، هم منابع عایداتی دولت را تشکیل میدهد. پس به هر اندازه ای که تعداد و قدرت اقتصادی تصدیها بیشتر باشد، به همان اندازه عایدات مالیاتی دولت رو به افزایش می نهد. چون اساس سنجش مالیات بر عایدات را نتیجه (مفاد و یا ضرر) تصدی تشکیل می دهد، پس به هر اندازه که مقررات حقوق تجارت و مالیه برای تصدی ها مفصلتر و دارای وضاحت بیشتر باشد و به هر اندازه که تصدیها به تطبیق مقررات متذکره مکلفیت های خویش را انجام دهند، به همان اندازه نتیجه حسابات اختتامیه تصدی دقیقتر می باشد و به همان اندازه اختلاف نظربین تصدیها و مقامات مالیاتی در قسمت تثبیت فیصدی مالیه بر عایدات کوچکتر می باشد. سیستم ناقص حسابداری و دقتداری سبب سوء تعبیر و سوء ظن مامورین مالیاتی و فساد اداری در جمع آوری مالیه تصدیها می شود.

ج - کارمندان و اتحادیه کار گران.

معمولاً مؤلدیت تصدی ها اساس افزایش حقوق یا مزد و معاش سالانه کارمندان را تشکیل می دهد. و به اساس مؤلدیت بین اتحادیه کارگران و کارفرمایان در باره افزایش مزد و معاش موافقه به عمل می آید این مذاکرات و عقد قرار داد ها بین هر دو قدرت متذکره بدون مداخله دولت صورت می گیرد. مؤلدیت عبارت از نسبت حاصل عوامل تعبیه شده بر عوامل تعبیه شده (output=input) می باشد. چون قوای کار کارمندان به حیث یکی از عوامل تولید در بوجود آمدن حاصل تصدی ذیدخل می باشد، پس کارمندان و نمایندگان آنها (اتحادیه کارگری) با افزایش مؤلدیت در تصدی که از معلومات حسابداری و سنجش مصارف حاصل می شود، طالب سهم شدن کارمندان در افزایش مؤلدیت می باشند. از آن رو کارمندان و نمایندگان آنها گروه ذیعلاقه را برای حسابداری منظم تصدی ها تشکیل می دهند.

د - مدیریت تصدی Management

مدیریت روی دلایل ذیل به معلومات حسابداری علاقمند اند:

- معلومات حسابداری نقش بارزی در تصمیم گیری در ساحت مارکتینگ، لوژیستیک، پروگرام تولیدی، گدام داری مناسب، سرمایه گذاری، تمویل و استخدام کارمندان دارد.
- معلومات حسابداری در ستراتیژی برنامه ریزی تصدی نقش عمده دارد.
- معلومات حسابداری در تثبیت و توزیع مفاد مالکین سرمایه نقش اساسی دارد.
- معلومات حسابداری اساس افزایش امتیازات مدیران را تشکیل میدهد.
- معلومات حسابداری در تعیین نرخ روز مره اسهام تصدی در بورسه نقش اساسی دارد.

باساس نتیجه تصدی معاشات و امتیازات (Bonus) مدیران توسط هیأت مدیره یا مجمع شرکا تثبیت می شود. به این ارتباط دو نظریه متضاد که عبارت از Stakeholders و Shareholder (یعنی طرف داری از علایق سرمایه داران و یا مالکین سرمایه مخصوصاً اعظمی ساختن مفاد سرمایه. Stakeholder رعایت علایق کل علاقمندان تصدی یعنی مالکین سرمایه، کارمندان، اتحادیه کارگران، جوامع مدنی، دولت، تسلیم دهندگان مواد، مشتریان و غیره) می باشد، دلچسپ است که خوانندگان گرامی می توانند این دو اصطلاح را برای کسب معلومات بیشتر در Wikipedia، Google مطالعه فرمایند.

ه - بانک ها و مؤسسات مالی

باساس مفکوره ممالک قاره اروپائی مرکز ثقل حسابداری را حمایه داننننن یا قرضه دهندگان تشکیل می دهد و طبق این مفکوره علایق داننننن بالاتر از علایق مالکین سرمایه قرار می گیرد. اکثر تصدی ها غرض سرمایگذاری و حفظ سیالیت روزمره خویش به بدهی های کوتاه مدت (از 24 ساعت الی سه ماه) ضرورت دارند و در پهلوی این بدهی ها، قرضه های دراز مدت را از بانکها و مؤسسات مالی بدست می آرند. اعطای قرضه تابع تضمینات و اهلیت قرضه (Bonität و یا Credit Solvency) تصدی می باشد. منظور از تضمینات درین جا تضمینات دارائی و تضمینات شخصی می باشند. تضمینات شخصی همانا اعتبار و اعتماد اشخاص می باشد. معمولاً اهلیت قرضه به حیث توانائی و قدرت آینده تصدی برای تأدیه اقساط و بهره یا تکتانه شناخته می شود. حسابداری و دقتداری منظم برای تثبیت اهلیت قرضه تصدی و یا قرضه گیرنده منبع مناسب

د پانو شمیره: له 3 تر 14

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولی

معلوماتی را تشکیل میدهد. خاصاً تصدی های بزرگی که به بورسه های اسناد بهادار و موادخام باسناد قانون بورسه راه دارند و اسناد سهام و قرضه آنها در بورسه به حیط اسناد بهادار مورد معامله خرید و فروش قرار می گیرد. مؤسسات بانکی و مالی به حیط مراجع تمویل کننده و اعطای قرضه و هم برای تحکیم رابطه بانکی مکلف اند تا از تصدی در ابتدای افتتاح حساب قرضه بانکی، مخصوصاً قبل از اعطای قرضه، جدید ترین حسابات اختتامیه تصدی قرضه گیرنده (بهتر است از سه سال اخیر باشد) را طلب نمایند. در پهلوی آن احصائیه فروش، موجودی گدام ها و مقدار تولیدات بهترین منبع معلوماتی برای قضاوت وضع اقتصادی تصدی می باشند. به کمک تحلیل حسابات اختتامیه و احصائیه های متذکره کارمندان فنی شعبات قرضه، مرجع قرضه دهنده می تواند در باره اعطا و یا عدم اعطای قرضه به تصدی تصمیم بگیرند. زیرا به کمک تحلیل جریان نقدینه یا Cash Flow (اجزای مرکبه جریان نقدینه به صورت ساده عبارت از مازاد بیلانس یعنی مفاد سالانه جمع استهلاکات و یا فرسایش دارائی ها منفی ذخایر - قانونی، اختیاری و احتیاطی - می باشد) و سنجش جریان سرمایه (این سنجش شکل انکشاف یافته جریان نقدینه را تشکیل می دهد) میتوان درباره وضع اقتصادی و سیالیت تصدی مانند فروش، ایفای تعهدات بوقت معین، انجام اقساط و ربح قرضه طبق قرارداد، عدم احتجاج برات و سیر انکشاف مفاد، معلومات حاصل کرد و تثبیت نمود که آیا تصدی در آینده قادر به تأدیه اقساط قرضه و ربح (سود) قرضه به بانک میباشد یا نه؟

و- تحویل دهندگان یا تهیه کنندگان مواد، تجهیزات و سایر ملزومات

تحویل دهندگان یا مؤسسات تاجرانی اند که مواد مورد ضرورت تصدی را (موادخام، مواد کمکی و فعالیت گاهی یا تدویری) عرضه می دارند. تحویل دهندگان باسناد دلایل ذیل علاقمند به معلومات اقتصادی تصدی همسوی خود می باشند.

1 تحویل دهندگان، تصدی یا تصدی های همسو را بحیث مشتری (پان) خویش تلقی کرده و آرزوی نگهداری مشتریانی خویش می باشند؛ زیرا باین طریق یک قسمت سهم بازار خویش را در آینده تأمین می نمایند. معلومات اقتصادی تصدی های مشتری (مخصوصاً در قسمت سرمایه گذاری های آینده، پروگرام تولیدی و انکشاف و سهم بازار آنها) برای پلان گذاری و تداوم فروش تحویل دهندگان دارای اهمیت خاص می باشد.

2 تحویل دهنده گان در پهلوی بانکها به حیط قرضه دهنده کوتاه مدت تصدی های مشتری دیده می شوند. در تجارت خاصاً در تجارت عمده استفاده از وسایل تأدیاتی مانند برات، ضمانت بانکی و لیتراف کریدت معمول است و این وسایل به ذات خود جزء از قرضه های کوتاه مدت یک الی سه ماهه را تشکیل می دهند پس همان معلوماتی را که مؤسسات مالی ضرورت دارند، مورد دلچسپی تحویل دهندگان هم قرار می گیرد.

ز - مشتریان

مشتریان به حیط علاقمندان وضع اقتصادی تصدی به تجار عمده، تجار پرچون، مستهلکین اخیر و یا نهائی و تصدی هائی که تولیدات تصدی مورد نظر را در تولید محصولات خویش به حیط مواد ویا ملزومات استفاده می کنند، دسته بندی می شوند. این گروه به تداوم فعالیت و عملکرد تصدی مورد نظر، نوعیت محصولات، شرایط تسلیمی و قیمت محصولات مورد نیاز، علاقمند اند و به اساس این معلومات بودجه مصرف و ستراتیژی فعالیت ها و عملکردهای آینده خویش را طرح می نمایند.

دوم - ارزیابی و یاقیمت گذاری اقلام بیلانس به حیط وسیله مؤثره تثبیت نتیجه واقعی تصدی

یکی از وظایف عمده حسابداری تثبیت نتیجه واقعی و عواملی می باشد که از طریق قیمت گذاری یا ارزیابی اقلام بیلانس بالای تثبیت نتیجه نقش بارز دارد. اینکه چطور ارزیابی اقلام بیلانس (اقلام سمت دارائی، سرمایه و بدیهی ها) بالای نتیجه تأثیر می کند، موضوع اساسی تحقیق ما را تشکیل می دهد.

در مقررات حقوق تجارت و حقوق مالی طرز العمل ارزیابی تعریف می شود⁵. به اساس روحیه مقررات متذکره نه باید اقلام دارائی بلند تر و اقلام سرمایه و بدهی ها پائینتر و یا طور معکوس در بیلانس اخیر درج گردند؛ زیرا در غیر آن نتیجه حسابات اختتامیه واقعی نه می باشد و به ذات خود به ضرر حمایه داننن، کارمندان، مشتریان و بعضاً به ضرر مالکین سرمایه تمام می شود. نا گفته نماند که طبق اصول بیلانس کردن منظم (در این جا طور مثال از دو اصل آن صحبت می شود) در ارزیابی و یا قیمت گذاری اقلام بیلانس طبق مقررات حقوق تجارت از اصل احتیاط استفاده می گردد. طبق اصل احتیاط و اصل تحقق یابی تاجر یا تصدی نه باید مفاد متوقعه و یا منتظره را در بیلانس رعایت کند، اما ضرر متوقعه یا منتظره باید در حسابات اختتامیه (بیلانس اخیر، مفاد ضرر و گزارش حسابدگی) محاسبه شود. به اساس حقوق مالیه تصدی از اصل احتیاط طوری استفاده نماید که بار مالیه کاهش نه یابد و به ضرر منفعت عامه تمام نه شود. طبق این بیان غرض جلوگیری از تضاد، باید بین مقررات حقوق تجارت و حقوق مالی هم آهنگی به وجود آید. این اصل در مقررات مالیات بر عایدات افغانستان رعایت شده است؛ اما اصولنامه تجارت فاقد این مقرره می باشد.

(در این مبحث در قدم اول مقررات حقوقی مالی ملی یک کشور صحبت میشود. موازی به این مقررات، قواعد حسابداری و⁵ حسابدگی بین المللی هم وجود دارد که بعداً مورد بحث ما قرار می گیرد.

نتیجه اختتامیه سالانه (که به نام مازاد بیلانس هم یاد می شود) عبارت است از عاید فروش مجموعی (حاصلات ضرب در قیمت فروش) منفی مخارج⁶ مجموعی. تفاوت مثبت عبارت از مفاد یا سود و تفاوت منفی عبارت از ضرر یا زیان می باشد. این تفاوت وقتی درست است که کل فر آورده در جریان سال معاملاتی به فروش رسیده باشد و مزید بر آن در گدام نه از سال گذشته و نه از سال جاری موجود فر آورده ذخیره شده باشد. اما این فرضیه در عمل به ندرت تحقق می یابد. مزید بر آن در عمل معاملاتی، اکثراً تأدیبات و پرداختها (داد) یا سئد (گرفت) به وقوع می پیوندند که بالای نتیجه سال مالی بی تأثیر می باشند. این اقلام یا در سال گذشته سمجش شده و یا در سال حسابی سال آینده تحقق می یابند. از این رو باید اجزای عاید فروش و مخارج تحلیل شوند و ارزیابی گردند. غرض جلوگیری از طوالت موضوع، از مطالعه کل اقلام دارائی، سرمایه و بدیهی صرف نظر کرده و صرف به مطالعه بعضی اقلام دارائی و بعضی اقلام سمت سرمایه و بدهی اکتفا می شود

الف - قیمت گذاری یا ارزیابی موجود اموال تجارتي و محصولات تولید شده

به اساس ماده چهلم تعلیمات نامه مالیات بر عاید افغانستان « اجناس و موادیکه در کاروتجارت مورد استفاده قرار می گیرد، در اخیر هر سال مالی موجودی گردیده و قیمت گذاری به اساس قیمت تمام شد (هریک کمتر است)⁷ صورت گیرد. مالیه دهنده ایکه در صنایع، تجارت یاسایر کارها مصروف بوده مکلف اند موجود اجناس محصولات و مواد مربوطه شانرا طبق طرز العمل وزارت مالیه اجرانماید». تعلیمات نامه متذکره فاقد توضیحات درباره قیمت گذاری موجودی نمی باشد که در دوره ئی حسابی به دفعات و قیمت های مختلف تهیه و یا تولید می شوند (طوریکه در حقوق تجارت و نظامنامه مالیاتی آلمان وجود دارد)⁸.

طبق ماده پنجاه وهفتم تعلیماتنامه مالیات بر عایدات افغانستان: « تزئید و با تنقیص در ارزش اسناد سهم، قرضه و امثال آن منحصیث دارائی طبق احکام این قانون زمانیکه از طریق فروش یا تبادل صورت واقعییت را به خود نگرفته باشد، مدار اعتبار نیست. زمانی که مفاد و یا زیان از طریق فروش و تبادل دارئی متذکره تحقق یابد، باید این مفاد یا زیان سالی را تشکیل بدهد که در آن فروش صورت گرفته باشد» (اصل تحقق یابی)⁹. پس اصل تحقق یابی که یک جزء اصل احتیاط را تشکیل میدهد، نظر به روحیه تعلیماتنامه مالیات بر عایدات افغانستان قابل رعایت می باشد و باید شامل تغییرات اصولنامه تجارت افغانستان هم گردد. در حقوق تجارت آلمان به این اصل تاکید به عمل آمده است.¹⁰

قابل یاد آوری است که در این اواخر در ساحه بین المللی موسسات مشوره و ارزیابی و موسسات حساب رسی برای ترتیب، قیمت گذاری و حسابرسی از ستندرد های بین المللی IAS و IFRS¹¹ استفاده می کنند. چنانچه به اساس دستور وزارت مالیه افغانستان موسسات بزرگ مکلف اند تا حسابات اختتامیه خویش را توسط یک از موسسات بین المللی حساب رسی ترتیب و تصدیق نمایند. طبق استندرد های بین المللی یاد شده قیمت گذاری دارائی مادی و مالی موسسات اقتصادی مطابق به اصول

⁶ در امور حسابی بین اصطلاحات تأدیه ازو تأدیه به، بین مخارج ومصارف، بین پرداختها و سئدها و بین حاصل و فر آورده تفکیک می شود: تأدیبات به عبارت از جریان وسایل نادیاتی می باشد که به تصدی جریان می کند. در مقابل تأدیبات از، جریان وسایل نقدی از تصدی به خارج تصدی میباشد. هر دو نوع تأدیبات اقلام Cash Flow را تشکیل میدهند. وسایل تأدیبات از جمع طلبات بالای مشتریان بنام پرداختها و تأدیبات به جمع اخذ قرضه بنام سئد تعریف می گردند. مصارف عبارت از قیمت عوامل تولید و فر آورده یا محصولات مربوط به هدف اند که با تعبیه مصارف بوجود می آید. هرگاه با مصارف، تأدیبات به و پرداختها رعایت گردند، از مخارج صحبت می شود. مخارج و حاصلات (بی طرف و مربوط به هدف) در حسابداری غرض تثبیت نتیجه بیلانس، مصارف و فر آورده ها موضوعات سنجش مصارف و فر آورده برای قیمت تمام شد، موضوعات مطالعه را تشکیل میدهند.

⁷ این اصطلاح بنام اصل نازلترین بائینترین قیمت در تیوری بیلانس طبق بند 1، نمره 4 ماده 252 حقوق تجارت آلمان تعریف شده است. ر

Wöhe, G., Einführung in die Allgemeine Betriebswirtschaftslehre. 25. Aufl. Vahlens Handbücher, S. 686 f. München 2013

⁸) Abgabeordnung

⁹ ر ک به پارورقی (3)

¹⁰ ر. ک به پارورقی (1)

¹¹ International Accounting Standards , International Financial Reporting Standards

نازلترین ارزش نه (خلاف ماده چهارم تعلیماتنامه مالیات بر عایدات افغانستان) بلکه به **ارزش منصفانه** یا عادلانه (Fair Value) قیمت گذاری می شود. ارزش عادلانه به اساس قیمت بازار (قیمت مجدد)، قیمت بورسه و نظریه اهل خبره تثبیت می گردد.¹²

ارزیابی موجود کالا در پیشه تجارت به مقایسه موجود تولیدات صنعتی سهلتر است. طبق قوانین تجارت جامعه اروپایی موجود اخیر کالای تجاری در انبار یا گدام به قیمت نازلترین ارزیابی می شود. قیمت نازلترین (کمترین) به اساس مقایسه بین قیمت تهیه مجدد یا قیمت روز بازار و قیمت تهیه انتخاب می گردد. با رعایت اصل نازلترین قیمت، امکان دست بازی در تثبیت نتیجه تا اندازه زیاد خنثی می گردد. با نبود چنین مقرره تاجر یا متصدی می تواند اندازه نتیجه اخیر سال را طبق دلخواه تغییر دهد. مثلاً در اخیر سال (31.12) ذخیره پترول به 40.000 لیتر تثبیت شده است. قیمت خرید تهیه یک لیتر پترول به تاریخ 31.12 بالغ به 55 افغانی و قیمت تهیه در هنگام خریداری به 50 افغانی بالغ می شد. به اساس اصل نازلترین قیمت، موجود اخیر 40.000 لیتر پترول از قرار فی لیتر 50 افغانی تثبیت می شود.¹³ به اساس ماده سی و نهم تعلیمات نامه مالیات بر عایدات، تصدی مجاز نیست تا ذخیره پترول بالاتر یا پائینتر از 50 افغانی ارزیابی گردد. اصل باید به حیث مقرره اصولنامه تجارت افغانستان هم شامل شود.

امکان دست بازی به نتیجه سالانه وقتی بیشتر می شود که در جریان سال حسابی مقادیر مختلف پترول به قیمت های مختلف تهیه شود، در این حالت می توان نیز از اصل نازلترین قیمت استفاده کرد؛ اما باید در این صورت پیش از پیش تصمیم گرفته شود که منظور معیار مقایسه با قیمت روز، قیمت وسطی است و یا استفاده از طرز العمل (FIFO) یا First in First out می باشد. حقوق تجارت آلمان قیمت گذاری موجود اخیر سال مالی را به قیمت وسطی دستور میدهد؛ اما موسسه اقتصادی اجازه دارد تا از طرز العمل FIFO هم استفاده نماید، مشروط بر این که در سال های بعدی رعایت اصل تداوم الزامی باشد. پس برای ارزیابی موجود اخیر یا قیمت وسطی و یا طرز العمل FIFO با قیمت مجدد یا قیمت روز مقایسه می شود و نتیجه حاصله با قیمت روز مقایسه شده و نازلترین آن به حیث معیار ارزیابی ذخیره آخری انتخاب می شود. مزید بر آن در امریکا از طرز العمل های LIFO (ارزیابی موجود اخیر به قیمت آخرین خریداری) و HIFO (ارزیابی موجود اخیر به بلندترین قیمت خریداری یا تهیه) هم استفاده می شود. در اصولنامه تجارت و تعلیماتنامه مالیات بر عایدات افغانستان می توان طرز العمل "ارزش وسطی" و یا FIFO و یا هر دو را شامل ساخت، اما مشروط بر این که تصدی در صورت انتخاب یکی از این دو طرز العمل، باید اصل تداوم و استمرار ارزیابی (اصول بیانس کردن منظم) را رعایت نماید.

در صنایع موضوع ارزیابی موجود اخیر مغلقتتر است، زیرا نظر به تنوع محصول تولیدی، موجود گدام یا انبار هم در اخیر سال افزایش می یابد. مزید بر آن تنها موجود محصولات کار تمام نه بلکه باید موجود محصولات نیم کاره، مواد خام، مواد کمکی و مواد تدویری (تیل و سایر روغنیات) قابل رعایت می باشد. طرز العمل ارزیابی مواد خام، مواد کمکی و تدویری مانند طرز العمل ارزیابی کالاهای تهیه شده می باشد. اما در محصولات کار تمام و نیمکاره مصرف تولیدی محصول (مصارف مواد - مستقیم و مشترک - جمع مصارف مستقیم و مشترک مزد و معاش) به حیث معیار ارزیابی تلقی می شود که باید در مقررات اصولنامه تجارت و حقوق مالی هم رعایت گردند.

ب. دارائی های مالی دراز مدت و کوتاه مدت

در این مبحث دارائی های مالی در بانکها و تصدهائی که اسناد بهادار را به منظور تجارت به کار می برند، موضوع مطالعه را تشکیل میدهند. دارائی های مالی به دارائی ثابت یا دراز مدت و دارائی سیار مالی دسته بندی می شوند. دارائی های دراز مدت اکثراً اسناد قرضه دولتی و تصد های بزرگ می باشند که در قدم اول از نگاه مفاد یا ربح (برای بهبود نتیجه تصدی) آن کسب می گردند. اما دارائی سیار مالی در قدم اول برای تقویه سیالیت تهیه می شوند.

¹² تفاوت های عمده بین ستندرد های بین المللی و حقوق تجارت جامعه اروپایی عبارتند از:

هدف اصلی حقوق تجارت جامعه اروپایی در قدم اول رعایت حمایت دانتین تصدی های اقتصادی می باشد؛ در حالیکه هدف اصلی ستندرد های بین المللی حمایت سهامداران و یا سرمایهگذاران تصدی های اقتصادی می باشد. به ص 790 به بعد منبع پاورقی (6) رجوع شود.

دوم طبق حقوق تجارت جامعه اروپایی تشکیل ذخایر مخفی (که در حصه خود افزایش تأمین سرمایه شخصی تصدی می باشد که برای جبران یک قسمت خطرات وارده مورد استفاده قرار گرفته می تواند) مجاز است؛ در حالیکه ستندرد های بین المللی ذخایر مخفی را نمی شناسد، زیرا امکان تشکیل ذخایر مخفی در استفاده از اصل ارزش منصفانه ممکن نیست.

¹³ به اساس نظریه ارزش منصفانه (fair value) که بعداً مطالعه می شود به قیمت روز یعنی 55 فی لیتر ارزیابی می شود. طبق این ارزیابی مفاد نحقق نایافته به حیث مفاد سال مالی رعایت می شود.

ارزیابی دارایی ثابت مالی مانند سایر دارایی های ثابت تصدی (مانند تعمیرات، ماشین آلات، تجهیزات یا ملزومات) به قیمت تهیه خرید منفی استهلاکات سالانه قیمت گذاری می شود.¹⁴ اما سنجش استهلاک دارایی مالی مانند سایر دارایی ثابت نمی باشد؛ زیرا استهلاک دارایی مالی زمانی سنجش می شود که ارزش اسمی دارایی مالی در اثر پائین آمدن قیمت بازار کاهش یابد و قیمت روز اسناد در اثر تغییر پایه ربح بازار سرمایه (Market Price Risk) یا خطر قیمت بازار پائین آید. با پائین آمدن منفعت (Dividend) دارایی مالی، تفاوت بین قیمت تهیه و قیمت بازار (که ما آنرا بنام کاهش ارزش اسمی اسناد می شناسیم) در حساب مفاد یا ضرر تحت قلم حاصلات یا مخارج فوق العاده (حاصلات یا مخارج بیطرف) درج می شود. برخلاف در دیگر دارایی های ثابت، استهلاک از طریق حساب مصارف استهلاک و یا از طریق مصحح ارزش دارایی به شکل مصارف عادی درج می شود. فرق دیگر بین دارایی مالی و دیگر دارایی این است که در ارزیابی دیگر دارایی های ثابت قانوناً "حق انتخاب محدود" (یکی از اصول بیلانس کردن منظم) به تصدی داده نمی شود. در حالی که به دارایی مالی حق انتخاب محدود قانوناً به تصدی داده می شود و این هم در حالی است که تصدی متیقن باشد که تغییر در منفعت بازار در یک مدت درازتر ادامه خواهد داشت. هرگاه این تغییر موقتی باشد، تصدی نمی تواند از حق محدود ارزیابی استفاده نماید. مثلاً نرخ بورسه اسناد به تاریخ نظر به دلایلی پائین می آید، در صورتی که سقوط موقت باشد، حق ندارد طبق اصل پائینترین ارزش، ارزش روز بورسه را که پائینتر از ارزش اسمی سند بهادار است به حیث معیار ارزیابی اخیر سال انتخاب. برعکس هرگاه نرخ بورسه بلند رود و واضح شود که این حالت ولو جنبه دایمی داشته باشد، تصدی حق ندارد به این قیمت بلندتر سند بهادار را قیمت گذاری نماید. این طرز العمل مخالف اصل احتیاط می باشد. اما طبق ارزش منصفانه حسابداری بین المللی از این معیار استفاده شده می تواند، چنانچه حسابرس منتخبه کابل باک این کار را انجام داد و مفاد را که اصلاً بعد تحقق نیافت درج حساب مفاد نمود.

دارایی سیار مالی مانند قرضه های کوتاه مدت دولتی، سهام، اسعار و دارایی های اشتقاقی¹⁵ به قیمت روز ارزیابی می شود. در این حالت به تصدی حق انتخاب محدود داده می شود، اگر تصدی متیقن باشد که تغییر نرخ موقتی نیست، پس می تواند از قیمت تهیه به حیث معیار ارزیابی استفاده کند. برای این که به ضرورت تزئید چنین مقرر در اصولنامه تجارت تأکید گردد، طوری که در کابل بانک اتفاق افتاد طبق گزارش سال حسابی 2009 کمپنی حساب رسی (A.F.Ferguson) ارزیابی دارایی های مالی کابل بانک که غرض فروش خریداری شده بود، به قیمت روز (Fair Value) بدون رعایت مصحح ارزش آن و درج به حساب مفاد و ضرر بانک به عمل آمده است. این که این دارایی ها متشکل از کدام نوع دارایی اشتقاقی بوده اند، در گزارش تذکر گرفته است. اما نویسنده حدس میزند که در زمره این اسناد، ممکن اسناد Hedge Fund شامل بوده باشد، زیرا اکثراً این نوع معاملات که به شکل میعاد و خالی¹⁶ در سال های 2007 و 2008 به مفاد 18% (بلندترین ربح در اسناد اشتقاقی) از طرف بانکهای سرمایه گذاری (Investment Banking) امریکائی، برادران Lehman's به بازارهای مالی بین المللی عرضه می شد، در اواخر سال 2008 و 2009 اکثر مالکین (از 500 میلیارد اسناد فروخته شده صرف 149 میلیارد آن باز پرداخت شده توانست) این اسناد متضرر شدند و اسناد دسته داشته شان به فروش نرسید و یا به قیمت خیلی کمتر فروخته شد. ارزیابی این اسناد با اساس IAS (International Accounting System)¹⁷ به اساس ارزش منصفانه (Fair Value) صورت گرفته است؛ اما اینکه ارزش منصفانه چطور انتخاب شده است، مورد سوال می باشد. قابل یاد آوری است که معامله چنین اسناد احتکاری از طرف دافغانستان بانک در آن زمان یا در چوکات نظارت بانکی ممنوع قرار داده

¹⁴ در دارایی های ثابت می توان با انتخاب طراز عمل سنجش استهلاک مانند خطی، نزولی و صعودی بالای نتیجه سالانه هم تأثیر وارد نمود که درین مقاله از توضیح مفصل آن صرف نظر می شود. اما در پروژه تحقیقی مورد نظر گرفته شده است.

¹⁵ دارایی های اشتقاقی یا Derivate معاملات میعاد، اختیاری (Option)، Swap, Future, Forward, Call Option, Put Option

Investment Fund و Real Estate Fund, Hedge Fund و غیره میباشد. این معاملات از جهتی اشتقاقی میباشد که قیمت آن طبق ارزش اسناد سهم، اسناد قرضه، شاخص و یا مواد خام تثبیت می شود. اسناد اشتقاقی اسناد احتکاری میباشد که در این جا به سبب طوالت موضوع از جزئیات صرف نظر می شود. به علاقمندان اشاره میشود تا به قاموس Google ویا Wikipedia رجوع کنند.

¹⁶ معاملات اشتقاقی خالی میعاد عبارت از معالاتی اند (اسناد بهادار و اموال قابل معامله در بورسه) که طوری میعاد بدون موجودیت اسناد و اموال خرید و فروش می شوند (کاملاً احتکاری).

¹⁷ به استندرد بین المللی IAS و IFRS (International Financial Reporting Standard) ارزیابی موجود دارایی به ارزش منصفانه یا عادلانه صورت می گیرد.

نشده بود و یا از آن اطلاع نداشت. بدین وسیله کمپنی متذکره بنا بر معلومات مدیریت کابل بانک آتوقته (با وجودیکه از معاملات احتکاری کابل بانک در گزارش خود اشاره کرده است و خطر آن پیش بینی شده می توانست) این اسناد را در گزارش سال 2009 خود به ارزش منصفانه (به قیمت روز) ارزیابی کرده است (بدون رعایت اصل احتیاط و تحقق یابی نتیجه) و به این طریق اندازه مفاد بانک را به صورت شکلی (fictive) و مثبت در گزارش مالی ارائه کرده است¹⁸ مزید بر آن از خطرات قرصه های موسسات به صورت غیر واقعی (شکلی) یا غیر واقعی در این گزارش به ملاحظه نمی رسد.

ج - ارزیابی ارقام سرمایه ویدیهای

در سمت سرمایه بیلانس هستند ارقامی که می توان به کمک آن بالای نتیجه تصدی هم تأثیر وارد کرد. اما اهمیت ارقام سمت سرمایه در مقابل ارقام د ارانی، طوریکه در بالا توضیح شد، کمتر است. در این جا صرف سه رقم مورد بحث قرار می گیرد که بالای نتیجه تصدی تأثیر وارد می کنند:

1- تشکیل ذخایر قانونی

تشکیل ذخایر قانونی که صرف در شرکتهای سهامی غرض تقویه سرمایه اصلی (سرمایه شخصی) در نظر گرفته شده است، طور مستقیم بالای نتیجه تأثیر نه می کند؛ زیرا ذخایر قانونی به حیث مخارج تلقی نشده بلکه از مفاد تثبیت شده بیلانسی بنابر دستور حقوق تجارت تشکیل می شود.

طوریکه اشاره شد باتشکیل ذخایر قانونی، می توان در قدم اول سرمایه شخصی را تقویه نمود که این بذات خود خطر تصدی را کاهش داده و اعتماد تصدی را در برابر معامله داران (دائنین)، سرمایه گذاران بالقوه و بانکها افزایش می دهد. تقلیل خطر در حصه خود افزایش مفاد تصدی را در قبال دارد. به این ارتباط در ماده 442 اصولنامه تجارت افغانستان از سرمایه احتیاطی سخن رانده شده است که در واقعیت مساوی به اصطلاح ذخایر قانونی میباشد که در آثار علمی هم مورد استفاده قرار می گیرد. طبق ماده متذکره ذخایر قانونی یا سرمایه احتیاطی سالانه " در توزیع منافع ارقام پنج فیصد آن برای جبران ضرر های احتمالی شرکت نگهداشته میشود (اگر در اساسنامه راجع به زیادت آن صراحتی موجود نباشد) بعد از آنکه به ربع سرمایه شرکت برسد دیگر مبلغی نگهداشته نمی شود"¹⁹. روی این دلیل است که در امور حسابداری ذخایر قانونی بنام ذخایر سرمایه هم تعریف می شود. طوریکه اشاره شد، ذخایر قانونی از مفاد خالص نظر به فیصدی که از طرف قانون تثبیت شده است، تشکیل می گردد. این ذخایر از پرداخت مالیه (الی تکمیل فیصدی که از طرف قانون تثبیت شده است) معاف می باشد. در پهلوی این ذخایر، ذخایر دیگری هم وجود دارند که طبق اساسنامه و یا بنابر پالیسی سیاست مدیریت تشکیل می شوند. این نوع ذخایر اختیاری بوده از مالیه معاف نیستند و صرف برای این منظور تشکیل می شوند که توزیع مفاد را به مالکین سرمایه یا سهامداران در سالهای متمادی مساوی نگه دارد. یعنی در این حالت سهامداران نوسان مفاد و ضرر را درک نه می کنند، زیرا آنها همه ساله یک فیصدی معین مفاد دریافت می دارند. در سالهایی که مفاد تصدی کمتر باشد یا به ضرر مواجه شود، در آن صورت از ذخایر (اختیاری) موجوده، از این حالت تعادلی استفاده می شود.

2 - تشکیل ذخایر احتیاطی Provision

یکی از ارقام سمت سرمایه و بدهی ها است که به کمک آن می توان تا اندازه بالای نتیجه تأثیر وارد کرد، تشکیل ذخایر احتیاطی می باشد. ذخایر احتیاطی عبارت از مکلفیت های متوقعه و یا منتظره تصدی می باشد که باید در حالت وقوع آن جبران شوند. این ذخایر مطابقت به اصل احتیاط میکند. مزید بر آن چون امکان وقوع این مکلفیت ها که مربوط دوره حسابداری سال جاری است، در آینده می باشد، پس باید از نگاه حسابداری این مکلفیت متوقعه در سال حسابداری جاری هم به حیث مخارج معامله شود و یک ذخیره احتیاطی باندازه آن تشکیل گردد. این ذخیره برخلاف ذخایر قانونی و اختیاری، راساً از مفاد سنحش نمی شود، برخلاف طوریکه اشاره شد قبل از تثبیت نتیجه به حساب مفاد و ضرر درج می گردد (درج حسابداری : مخارج مکلفیت ها دبیت به ذخایر احتیاطی کزیدت). این مکلفیت ها عبارتند از مخارج مالیه، مخارج دعوی، مخارج تقاعد برای کارکنان، مخارج ترمیمات انجام نشده و غیره. چون ذخایر احتیاطی ارقام مخارج است و ازین طریق معامله بالای مفاد و ضرر یا سود و زیان تأثیر آورده می شود، پس باید تشکیل ذخایر احتیاطی در اصول نامه تجارت افغانستان مجاز قرار داده شود. به این ارتباط در تعلیمات مالیات بر عاید افغانستان از معاملات بعدی صحبت شده است. ذخایر احتیاطی در شرکتهای ساختمانی بنام تضمین خسارات متوقعه تعمیرات ساخته شده و در صنایع تحت عنوان ذخایر احتیاطی برای نواقص تولیدی محصولات تشکیل می شود. امکانات دست بازی در ای ارقام زیاد می باشد.

ذخایر احتیاطی، ذخایر قانونی و ذخایر اختیاری در عین حال به حیث وسیله تمویل خودی برای تصدی دارای اهمیت می باشند. ذخایر قانونی و اختیاری در جمله سرمایه شخصی و ذخایر احتیاطی بحیث سرمایه غیر محسوب می شود.

¹⁸ ر ک : به گزارش سال 2010 کمپنی A.F.Ferguson

¹⁹ اصولنامه تجارت افغانستان، میزان 1336

3 - تعیین زمانی پاسیفی

از طریق تشکیل حسابات تعیین زمانی پاسیفی (سرمایه بدهی ها) انتقالی مثلاً تأدیه کرایه ، اجاره ، بیمه ، مزد و معاش که مربوط به سال جاری می باشند اما تأدیه و یا پرداخت آن در سال حسابی آینده به عمل می آید، بالای حساب مفاد و ضرر دوره حسابی که تأدیه و پرداخت صورت گرفته است، تأثیر می کنند؛ زیرا از نگاه حسابی مربوط به دوره حسابی معاملات بوده اما پرداخت ها به دوره حسابی بعدی بعمل می آیند (از نگاه تعلیمات نامه مالیات بر عایدات افغانستان، معاملات بعدی).

در مقابل آن تعیین زمانی انتقالی دارائی هم وجود دارد که صرف به دوره حسابی به حیث دارائی شناخته می شوند و باید در سال بعدی منحل شوند.

با سنجش اقلام تعیین زمانی چه به شکل دارائی و یا بدهی باشند، نتایجی که مربوط به دوره حسابی میباشد، خنثی ساخته شده و باین طریق نتایجی واقعی تثبیت می شود که تشکیل آن باید توسط مقررات اصولنامه تجارت هم تجویز گردد.

سوم - نتیجه گیری

در این مقاله سعی به عمل آمد تا طور خلاصه با ارائه شش قلم بیلانس (دارائی سیار، بدهی و سرمایه) یک سلسله دلایل و ضرورت های تعدیل و تجدید مقررات اصولنامه تجارت و تعلیماتنامه مالیات بر عایدات افغانستان که با حسابداری منظم، ترتیب و دسته بندی حسابات اختتامیه، ارائه حسابات اختتامیه و ارزیابی آن ارتباط نزدیک دارند، واضح گردند. اصولنامه تجارت افغانستان تحت فصل هفتم مقررات (دفاتر تجارتي از ماده 65 الی 84) حاوی چند ماده محدود در باره دفتر داری و بیلانس، دارائی ها و دیون می باشد. چنانچه طبق ماده 65 تاجر در دفتر دارائی مکلف به درج اقلام ذیل است:

1 - نقودی که تاجر در روز آغاز با قیمت های تخمینی هر نوع اموال منقول و غیر منقول را که برای تجارت خود تخصیص میدهد و قیمت های اسهام و اسناد قرضه که نشر می دارد به اعتبار قیمت جاریه آنها که در تاریخ مذکور خرید و فروش میشود و که تتم طلبانی که قابل تحصیل شمرده و یا غیر آن.

2- تمام دیون که از تعهدات و ذرایع دیگر بدست می آید.

3- پس از تعیین دارائی خالص که عبارت از مقدار دارائی بعد از وضع دیون می باشد تاجر مجبور است در آخر هر سال حسابی یک بیلانس راکه حاوی مقدار دیون و دارائی مخصوص تجارت او باشد ترتیب و دریت دفتر درج نماید.

بیلانس اقل در سال یکبار باید ترتیب شود.

ماده 70: در آغاز تجارت بعد از اینکه سرمایه اصلیه تاجر که بموجب ماه 69 تعیین میباید در دفتر بومیه قید گردید. تمام معاملات کلی و حزئی دایر بداد و ستد چه متعلق معاملات تجاریه باشد و به بمعاملات عادیه جدا جدا روزمره بترتیب تاریخ معامله و همچنان مصارف شخصیه او قید و درج میشود

مواد 82، 83 و 84 اصولنامه متذکره، که از اقتباس آن در این جا صرف نظر می شود، دفاتر تجارتي را به زعم مواد یادشده به حیث وسیله اثبات در برابر معامله کنندگان، داینین و سهامداران و محاکم در محاکم می شناسد.

به اساس مواد 65 الی 70 اصولنامه متذکره مطالبات امور حسابی عصری را تکافو نکرده و از هر نگاه مطابقت به نیازمندی های اقتصادی، حقوقی و تجارتي موسسات افغانستان ندارد، معلومات درست به علاقمندان تصدی عرضه کرده نتوانسته، به حیث وسیله تصمیم گیری به مدیریت تصدی ممدواق نشده و به حیث وسیله اثبات به مشکل مواجه می شود. با وجودیکه تغییرات زیاد در تعلیمات نامه مالیات بر عایدات بعد از روی کار آمدن جمهوریت اسلامی افغانستان تغییر یافته است، با آنهم فاقد تداوم لازمه برای حل معضلات روزمره مالیاتی می باشد و از بروز نا رضائیتی های مالیه دهندگان و از گریز مالیه جلوگیری کرده نمی تواند. مزید بر آن اثر فقدان و نبود معلومات حقوقی (حقوق تجارت و قانون مالیات بر عایدات) کافی، همیش بین تاجرین و متصدیان اقتصادی و مامورین مالیه در باره مفاد حقیقی اختلاف نظر وجود داشته باعث می گردد تا در مالیه دهی فساد اداری افزایش یابد. همچنین فقدان لوایح ضمنی حسابداری و بیلانس ساختن مانند " اصول حسابداری منظم" و "اصول بیلانس سازی و یا ترتیب بیلانس به صورت منظم"، امکان مقایسه آفاقی را چه از نگاه زمانی در خود تصدی و چه از نگاه مقایسه رشتوی در خارج و داخل افغانستان از بین برده است. معلومات دقیق، شفاف و حسابداری دقیق که بر مبنای مقررات حقوقی ارائه می گردد، برای انکشاف و رشد تصمادی های رشته های مختلف اقتصادی افغانستان مخصوصاً در عصر جهانی شدن فعالیت های اقتصادی یک امر ضروری است. طوریکه تجارب داده است ، به دلیل نبود حسابداری شفاف اکثر تصدی ها از قرضه های بانکی استفاده کرده نه می توانند؛ زیرا اسناد و معلوماتی که از خلال آن اهلیت قرضه گیرنده و قدرت تأدیاتی آن تثبیت شده بتواند، از طرف تصدی ها ترتیب و ارائه نشده است. حسابات اختتامیه که بر مبنای مقررات قانونی ترتیب شود، تصمیم گیری کارشناسان قرضه بانکی را آسانتر می سازد

در تغییر و تعدیل ممکنه اصولنامه تجارت از کدام سیستم حسابداری باید استفاده کرد؟

در حال حاضر در ساحه جهانی به صورت عموم چهار سیستم حسابداری وجود دارد: (1) سیستم حقوق تجارت آلمان و سایر ممالک جامعه اروپائی می باشد، (2) سیستم سنتنرد های بین المللی مانند ISA (سنتنرد حسابداری بین المللی) و IFRS (سنتنرد گزارش دهی مالی بین المللی)، (3) سیستم United State Generally Accepted Accounting Principles (US-GAAP) و یا اصول عمومی پذیرفته شده حسابداری اضلاع متحده امریکا) که در ممالک انگلوساکسون

د پانو شمیره: له 9 تر 14

افغان جرمن آنالین په درننیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

ترویج اند و (۴) سیستم حسابداری بانک های اسلامی (Accounting and Auditing Standards for Islamic Financial Institution).

به ارتباط افغانستان سیستم حقوق تجارت آلمان و ستندهای بین المللی مورد بحث قرار می گیر . از سیستم حسابداری-US GAAP صرف برای تصدیهای دختر که مادر آن ها مقیم امریکا می باشد، به ندرت مورد استفاده قرار گرفته شده می تواند. در افغانستان حسابداری اسلامی بیشتر به ارتباط بانک های اسلامی که در حال آمدن میباشد، قابل استفاده می باشد. به صورت عموم انواع و ساختمان حسابات اختتامیه (محاسبه دوجانبه)، ترتیب و دسته بندی اقلام در تمام سیستم تقریباً با کمی تغییر مشابه می باشد که از جزئیات آن در این جا صرف نظر می شود. اما تفاوت اساسی در اهداف، ارزیابی اقلام بیلانس و طرز حسابداری در سیستم های متذکره وجود دارد. در اینجا کوشش می شود تا در این قسمت به صورت مقایسوی توضیحاتی به عمل آید.

1 - حقوق تجارت آلمان (HGB)²⁰

در این مبحث نظر به دو دلیل مقررات حقوق تجارت آلمان مطرح بحث قرار می گیرد اول اینکه حقوق تجارت آلمان یکی از منابع عمده اصولنامه افغانستان را تشکیل میدهد. به حیث دوم: این قانون در اوقات بحران نشان داده است، تصدی هائی که مطابق به مقررات حقوق تجارت آلمان بیلانس های خویش را ترتیب کرده اند، به آفات بحران مالی سال ها دهه هفتاد و سال های 2008 و 2009 عیسوی مبتلا نشده اند و یا صرف یک تعداد معدود تصدی هائی که خلاف مقررات مروجه آلمان به انجام معاملات خالی میعاد و احتکار تشبیه نموده اند به ضرر مواجه شدند.

طبق حقوق تجارت آلمان هر تصدی به استثنای تصدی های کوچک مکلف است تا دارای دفاتر باشند و حساب سالانه اختتامیه ترتیب دهند. این حسابات اختتامیه سالانه هر تصدی از طرف حقوق تجارت آلمان به حیث «حسابات اختتامیه فردی» تعریف می شود و حد اقل مرکب از یک بیلانس، یک سنجش (حساب) مفاد و ضرر می باشد. تصدی های بزرگ که اکثرآبه شکل حقوقی شرکت های سهامی که سهام شان در بورسه قابل معامله می باشند، باید اضافتاً یک سنجش جریان سرمایه، یک آئینه (تصویر) از سرمایه شخصی، یک صورت حسابداری و یک ضمیمه گزارش وضع اقتصادی تصدی را آماده کنند. مزید بر آن ها مجبور اند تا حسابات اختتامیه خویش را مورد حسابرسی قانونی (Auditing) قرار داده آنرعلنی و برملاسانند.

هدف اصلی و اساسی مقررات قانون تجارت آلمان حمایت از حقوق دانین و سایر علاقمندان تصدی (Stakeholder) بوده و در ارزیابی اقلام اختتامیه از اصل احتیاط که به اساس روحیه اصل تحقق یابی بنیافته است، استفاده می شود. با در نظر داشت اصل تحقق یابی (یعنی اقلام حسابات اختتامیه نباید پائینتر و اقلام سرمایه و بدهی ها نباید بلند تر جلوه داده شود) در قیمت گذاری اقلام دارائی سیار از اصل نازلترین یا کمتر قیمت (قیمت تهیه باقیمت بازار یا تهیه مجدد مقایسه شده به حیث معیار قیمت گذاری پائینترین قیمت انتخاب می شود) مزید بر آن طبق اصل تحقق یابی تصدی نباید مفاد تحقق نیافته (مفادی که به وجود نیامده است) را به حیث مفاد درج محاسبه نماید؛ اما ضرر تحقق نیافته و متوقعه باید به حیث زیان سال حسابی درج مفاد و ضرر شود (این موضوع در قانون مالیات بر عایدات افغانستان هم رعایت شده است) به این طریق امکان تشکیل ذخایر مخفی یا پنهانی ایجاد می شود. تشکیل ذخایر مخفی یا پنهانی از طرف قانون مالیات بر عایدات قابل تحمل است، مشروط بر اینکه که باعث کاهش مالیات بر عایدات نشود (به این طریق تشکیل ذخایر مخفی محدود می شود). واضح است که تشکیل ذخایر به صورت غیر مرئی ماهیت سرمایه شخصی را افزایش می دهد و به این صورت خطرات پیشبینی شده یا غیر مرئی جبران شده میتوانند. مزید بر آن بالای منفعت (Rendite) و یا نسبت نرخ بورسه برسند سهم تصدی مورد نظر بالای ارزش رسمی سند سهم. تأثیر مثبت دارد.

2 - ستند های بین المللی US-GAAP و IFRS, ISA

قواعد ISA و IFRS از طرف هیأت ستند حسابداری بین المللی که مرکز آن در لندن می باشد پخش می شود. قواعد US-GAAP در قدم اول از طرف هیأت حسابداری ستندرد مالی تدوین می شود. هیأت یا بورد (Financial Accounting; / . Standards Boards , FASB Securities) یک سازمان دهی خصوصی است که از طرف کمیسیون تأمین و تبادل (and Exchange Kommission, SEC) اضلاع متحده امریکا غرض انکشاف و تدوین قواعد حسابداری برای حمایت تجارت اسناد بهادار موظف گردیده است. قواعد طرح شده بورد در صورت قاطع می باشد که از طرف کمیسیون تأمین و تبادل تصویب شود.

هدف اساسی ستند ISA و IFRS عبارت از حمایت سرمایه گذاران است که برای این رسیدن به این منظور قواعد اصول حسابداری را به سطح جهانی طرح کرده و هم آهنگی قواعد حسابداری بین المللی بهبود را می بخشد. هدف اساسی US-GAAP حمایت قواعد حسابداری تجارت اسناد بهادار در اضلاع متحده امریکا است.

²⁰ Das Handelsgesetzbuch

د پانو شمیره: له 10 تر 14

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

در سیستم IFRS اصولهای اساسی برای حسابداری (شبهه اصول های حسابداری و بیلانس ساختن منظم حقوق تجارت آلمان) وجود دارد. هدف حسابداری IFRS مفیدیت تصمیم گیری (decision usefulness) میباشد که تحت دو شرط بدست آمده می تواند: ادامه تصدی (going concern) و تثبیت مفادمنصفانه مطابق به زمان (accrual accounting). به اساس شرط اول یعنی ادامه تصدی باید تصدی ترتیب دهنده نی حسابات اختتامیه بعد از روز ترتیب حسابات اختتامیه قابلیت ادامه (فعالیت اقتصادی) را داشته باشد و نظر به شرط دوم سنجش مخارج و حاصلات مطابق به زمان (دوره نی حسابی) باشد. شرایط ذکر شده و قتی بر آورده می شود که اولاً اصل اهمیت (relevance) یعنی اساسی و واقعی (materiality) بودن و ثانیاً مورد اعتماد (faithful representation) باشد. شرط اعتماد در حصه خود دارای اصول فرعی مانند کامل بودن (complete)، بی غل و غش (neutral) بودن و خارج از اغلاط (free from error) باشد. این دو شرط اساسی یاد شده و ضمایم آن وقتی باعث موجودیت نتیجه (مفاد و زیان) واقعی می شود که حسابداری قابل مقایسه (comparability) و قابل بررسی (verifiability) باشد و به وقت معینه (timeliness) و قابل فهم (understandability) ارائه گردد. به عبارت دیگر هرگاه حسابداری با رعایت اصول یاد شده انجام یابد، پس یک تصویرواقعی وضع دارائی، مالی و حاصل تصدی²¹ ارائه شده می تواند. مشابه به این اصول در حقوق تجارت قواعدی تحت عنوان حساب داری منظم و بیلانس کردن منظم وجود دارد.

در سیستم های حسابداری بین المللی قیمت گذاری اقلام بیلانس به ارزش های زمانی تثبیت شده مانند قیمت منصفانه (fair value) مانند قیمت روز بازار و نرخ بورسه، (realisable value) ارزش فروش خالص و (recoverable amount) ارزش تخمینی فروش و یا ارزش استفاده وی، ارزیابی می گردد. مزید بر آن برخلاف حقوق تجارت آلمان در سیستم های حسابداری و حسابداری بین المللی تشکیل ذخایر قابل قبول نیست. در جدول ذیل تفاوت های اساسی بین اصول انتخاب شده نی حقوق تجارت آلمان و سیستم های حسابداری و حسابداری بین المللی ارائه می گردد²²

تفاوت های اساسی بین اصول انتخاب شده نی حقوق تجارت آلمان و سیستم های حسابداری و حسابداری بین المللی

| اساسات/ اصول | IFRS | حقوق تجارت آلمان |
|--|--|---|
| (1) تصویر واقعی True and fair value/fair presentation | قواعد عمومی (overriding principle) | قواعد عمومی؛ محدودیت حق انتخاب درحقوق بیلانس کردن و قیمت گذاری اقلام بیلانس |
| (2) بی غل و غش (natural) | قواعد تخمینی درحالت عدم اطمینان:مال اندیشی | قواعد تخمینی درحالت عدم اطمینان: معیار قبول شده نی بدبینانه (pessimism) |
| (3) تثبیت مفاد منصفانه زمانی (accrual accounting) | قاعده تسلط تثبیت مفاد | محدودیت توسط حمایه دانین |
| (4) اصل تحقق یابی (realization principle) | درج حاصل (مفاد) قبل از تحقق یابی فروش ممکن است | درج حاصل (مفاد) صرف در صورت تحقق یابی |
| (5) اصل نابرابری imparity principle | مجهول یا نامعلوم | تسلط اصل احتیاط (اساس این اصل بالای اصل تحقق یابی بنا یافته است؛ یعنی حاصل (مفاد) منتظره و تحقق نیافته نباید در محاسبه سال مالی جاری درج شود، اما زیان منتظره و تحقق نیافته باید در محاسبه سال مالی جاری درج شود) |
| (6) اصل ارتباط بین مخارج و حاصلات (matching principle) | درج مخارج درج حاصلات را تعقیب می کند | فاقد اصل خودی (نظر به حقوق تجارت آلمان یک ارتباط بین مخارج و حاصلات به وجود نمی آید. طبق |

²¹ از تشریحات بیشتر اصول متذکره در این جاسرف نظر می شود؛ زیرا ما را از نتیجه گیری دور می سازد. به غرض معلومات علاقمندان حسابداری، به نشرات مربوطه ISA و IFRS اشاره می شود

²² به V Günther Wöhe, Einführung in die Betriebswirtschaftslehre, 25. Aufl. Vahlen Verlag, München 2013, S.784

د پانو شمیره: له 11 تر 14

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

| | | |
|---|--|--|
| حقوق تجارت آلمان درج مخارج به مقایسه IFRS به شکل قبلی صورت می گیرد | | |
| این نوع ارزیابی به صورت قطعی مجاز نیست و اصل سرحد بالائی قاطعیت دارد. | ارزیابی بالاتر از قیمت تهیه و قیمت یا مصرف تولیدی ممکن است | (7) اصل مصارف تهیه |
| فاقد اصل خودی | دارای اهمیت مرکزی | (8) اصل اهمیت (relevance) |
| فاقد اصل خودی | دارای اهمیت مرکزی | (9) اصل اعتماد (faithful representation) |
| <p>منبع: این جدول و روحیه توضیحات بعدی آن کتابی علمی است که در پاورقی 21 اسم برده شده است ر. ک. ب. ص 784 به بعد</p> | | |

3- سیستم حسابداری (بانکداری) اسلامی²³

موسسه بین المللی حسابداری و حساب رسی مالی اسلامی (AAOISI)²⁴ از بدو تأسیس 1996 الی اخیر 2013 جمعاً 25 قاعده حسابداری را به اساس قواعد حسابداری و راپوردهی بین المللی IFRS ترتیب و غرض تطبیق به دسترس 165 عضو (مؤسسات اسلامی) قرار داده است. این اعضا نه تنها مرکب از بانک های تجاری اسلامی و متعارف یا مروجه بلکه شامل بانکهای مرکزی، مقامات قانون گذاری، مؤسسات حرفوی حسابداری و حسابرسی و مؤسسات شبکه حمایه خدماتی می باشد. به صورت عموم سیستم AAOISI یک ترکیبی از سیستم بین المللی IFRS، قواعد اسلامی و مقررات حقوقی و مالیاتی ممالک مربوطه می باشد. در حسابداری مالی (قید و ثبت وقایع معاملاتی به صورت مسلسل و منظم بالای دفاتر حسابداری) که بیشتر دارای جنبه تخنیکی می باشد، بی تفاوت است که از مقررات کشور مربوطه و یا از ستندرد حسابداری بین المللی پیروی شود. اما برای ترتیب و ساختن بیلانس و ارزیابی اقلام بیلانس باید طبق ستندرد حسابداری و حسابرسی برای مؤسسات مالی اسلامی (AAOISI) رفتار شود. با رعایت سیستم حسابداری و حسابرسی بین المللی اسلامی در سیستم حسابداری و حسابرسی سه حالت از هم تفکیک می شود:

- ترکیب ستندرد های IFRS و ستندرد AAOISI که قسماً توسط مؤسسات اسلامی قابل قبول و قسماً قابل قبول نمی باشد.
- مقررات خاص AAOISI که برای مؤسسات مالی و بانکداری تدوین شده اند.
- ستندرد های بین المللی که صرف از طرف مؤسسات مالی اسلامی پذیرفته شده می توانند.

چون قانون بانکداری اسلامی در افغانستان تا هنوز در طی مراحل قرار دارد، پس ایجاب میکند از همین اکنون در طرح جدید قانون آینده مالیات بر عایدات و اصولنامه تجارت افغانستان بعضی مقررات اسلامی بانکداری هم در نظر گرفته شود؛ زیرا صرف نظر از اینکه در اصلاح و تعدیل مقررات یاد شده از کدام ستندرد استفاده می شود، با آمدن سیستم بانکداری در افغانستان حتمی است، تا به هر صورت قواعد و مقررات حسابداری اسلامی در مقررات اصولنامه تجارت و قانون مالیات بر عایدات رعایت گردد.

4- کدام سیستم حسابداری باید در اصولنامه تجارت و قانون مالیات بر عایدات افغانستان قانونی شود.

این که کدام سیستم مطابق به نیازمندی افغانستان می باشد، لازم است تا نتایج مقایسوی سیستم های حسابداری از نزدیک مورد مطالعه قرار گیرد. تطبیق یک سیستم بدون در نظر داشت نیازمندی، شرایط و امکانات کشور، مانند تطبیق نا آگاهانه سیستم اقتصاد بازار در افغانستان، بدون طرح قبلی چارچوب حقوقی و اقتصادی، است که نتایج منفی آن تا حال بالای اقتصاد و اجتماع کشور به مشاهده میرسد. نویسند بحیث خدمت گار در طرح این موضوع اساسی از تجارب و علمی استفاده کرده آرزو

²³ غرض کسب معلومات مزید درباره سیستم بانکداری اسلامی به کتابی رجوع شود که از طرف نویسنده تحت عنوان علم اقتصاد تصدی بانکداری، جلد سوم اقتصاد تصدی بانکداری اسلام تحریر و در اواخر سال 1392 از طرف مرکز ملی پالیسی تحقیقاتی پوهنتون کابل به طبع رسیده است ص 246 بع بعد

²⁴ Accounting and Auditing Standards for Islamic Financial Institutions.

برای معلومات بیشتر درباره امور حسابداری ممالک اسلامی مراجعه شود به: محمد نعیم اسد: علم اقتصاد تصدی بانکی، جلد سوم اقتصاد تصدی بانکداری کابل 2013 (1393) از ص 246 به بعد

د پانو شمیره: له 12 تر 14

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلو. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلینکي د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په څیر و لولی

دارد نقاط مثبت و منفی هر دوسیستم را به صورت خلاصه توضیح نماید. مربوط به علمای حقوق تجارت و امور حسابی، مقامات تقنینی وزارت های عدلیه، مالی، تجارت و صنایع و ریاست اطاق های تجارت و صنایع افغانستان است تا از هر سیستم که مطابق به نیازمندی، واقعیت های موجوده ئی کشور و برای جلوگیری از سوء استفاده تعبیر مواد قانونی در تعدیل اصولنامه تجارت و تعلیماتنامه مالیات بر عایدات استفاده نمایند.

1-4 اهداف اساسی سیستم ها و قواعد بین المللی IFRS و IAS و قواعد حقوق تجارت آلمان هدف اساسی قواعد حسابداری و حسابرسی بین المللی حمایتی سهامداران یا سرمایه گذاران (Shareholders) و علایق سایر گروه های اقتصادی رعایت نمی شود.

هدف اساسی حقوق تجارت آلمان حمایتی داینین و سایر علایق گروه های اقتصادی و اجتماعی می باشد

4-2 ارزیابی یا قیمت گذاری اقلام بیلاس

ارزیابی اقلام بیلاس طبق قواعد حسابداری و حسابرسی بین المللی به ارزش منصفانه (fair value) که عبارت از قیمت روز (تهیه مجدد)، قیمت بورسه و یا قیمتی که توسط اهل خبره و کارشناسان تثبیت می شود، (realisable value) ارزش فروش خالص و (recoverable amount) ارزش تخمینی فروش و یا ارزش استفاده وی، ارزیابی می گردد. این نوع ارزیابی برخلاف حقوق تجارت آلمان باعث تشکیل ذخایرنمی شود؛ زیرا ستندر های حسابداری و حساب رسی آنرا نمی پذیرد. به این طریق تصدی هائی که صرف حسابداری و حسابداری خویس را مطابق به ستندر بین المللی انجام می دهند در برابر بحران مالی حساسیت دارند؛ زیرا دارای پشتیوانه ئی کمتر غرض خطر می باشند.

گرچه امکاناتی که در جدول قبلی ارائه گردید، جدی بودن قواعد حسابی بین المللی را تبارز میدهد؛ اما با آنهم طوریکه تجربه در دهه 80 و 90 عیسوی و قضیه کابل بانک در سال 2010 نشان داد، نظر به دو دلیل ارزیابی اقلام بیلاس به اساس ارزش های یادشده مفاد ارائه شده ئی حسابات اختتامیه، مفاد واقعی تصدی بوده نمی تواند و بالنتیجه توزیع مفاد به سهامداران هم مطابق به واقعیت اقتصادی نمی باشد. این حالت شاید درمدت کوتاه باعث گردد تا به سهامداران مفاد بلند تر توزیع گردد؛ اما در مدت دراز باعث کاهش تدریجی ارزش ذاتی تصدی می شود و با ورشکست تصدی، سرمایه گذاران هم به ضرر مواجه می گردند. این ادعا به آوردن دو مثال عملی به اثبات میرسد.

اول در دهه 80 یک تعداد تیوری ها و مودلهای جدید اقتصاد لیبرال به وجود آمد که در ابتدا باعث رونق فعالیت های اقتصادی و بانکی شد. اما در عین حال قسماً مسؤول عواقب ناگوار مالی 2008/2007 گردید.

با ازدیاد عرضه اشیا و خدمات ممالک سرمایه داری، تشدید رقابت بین عرضه کننده گان، تلاش برای بدست آوردن بازارهای فروش، افزایش فعالیت های مارکیتنگ، بلند رفتن مطالبات و خواسته های مستهلکین (تقاضا کنندگان) بلند رفتن عاید فی نفر، استفاده از تکنالوژی جدید، افزایش روز افزون نقش منجر ها یا مدیران و ازدیاد تلاش مالکین سرمایه برای به دست آوردن مفاد بیشتر درحالت رشد اقتصادی تصدی ها، باعث شد تا نظریه اقتصاد نوین لیبرال (New Economy) در دهه 80²⁵ به وجود آید. ازدیاد عاید، تنوع در تولیدات و خدمات و افزایش آگاهی سبب شد تا واحدهای اقتصادی در انتخاب اموال و کالا دست آزاد داشته باشند. به این صورت یک تعداد موسسات اقتصاد با منجران جوان و مبتکر بوجود آمدند و طبق قواعد ستندر بین المللی بیلاس های خویس را ترتیب و قیمت گذاری کردند. برای اینکه تصدیها ها قدریه جلب بیشتر سرمایه گزاران شده و زمینه سرمایه گذاری فرا تر را فراهم کرده باشند، مفاد آینده را بالا تر از ارزش واقعی ارائه کرده و مفاد بلندتری که نتیجه «خیال پلو» ماجر جویانه منجران جوان و کم تجربه بود، به سهامداران توزیع شد. بعدم تحقق یابی مفاد های تخیلی باعث شد تا تعداد زیادی چنین تصدی ها در اثر مشکل سیالیت و نبود پشتیوانه ئی خطر به افلاس مواجه شوند و بالنتیجه سهام این تصدیها بی ارزش گردد.

مثال دوم رعایت نکردن اصل احتیاط، ارزیابی اقلام دارائی ها به ارزش منصفانه و نادیده گرفتن استهلاک طلبات مجهول از طرف حسابرس بین المللی A.F.Ferguson باعث گردید تا نتایج واقعی بیلاس کابل بانک سابقه بر ملا نشود (با وجودی که موسسه متذکره در گزارش خود از معاملات احتکاری بانک متذکره یاد آوری کرده بود). به اساس دو مثال یا شده می توان ادعا کرد که در انتخاب قیمت منصفانه احتمال تقلب و دست بازی وجود دارد.

3-4 در قانون تجارت آلمان مکلفیت ارائه **محتاطانه** ئی دارائی، دیون و وضع حاصل تسلط دارد، در حالیکه در سیستم حسابات اختتامیه IFRS برای رعایت توقعات غیر مطمین تخمین اصل **بی غل و غش (2)** یا natural حکم فرمائی دارد. سلسله « اصل حمایتی اصل احتیاط . تشکیل ذخایر مخفی و سایر اصول قیمت گذاری بین هر دو سیستم دارای تفاوت ها می باشد. **تثبیت نتیجه مطابق به دوران حسابی (3)** در چهارچوب IFRS دارای موقف مرکزی می باشد. طبق **اصول تحقق یابی (4)** و ارتباط بین مخارج و حاصلات و یا **matching principle** باید نتیجه اقتصادی (حاصلات) در

²⁵ ر . ک محمد نعیم اسد: بحران مالی بین المللی عاملین، علل و عواقب آن: مجله اندیشه، فصلنامه علمی- پژوهشی پ. هنتون هرات سال ششم شماره سوم و چهارم خزان و زمستان 1387.

دوره نی حسابی تثبیت شود. این نتیجه نباید بلندتر ویا پائینتر باشد. تفاوتی که به این ارتباط بین حقوق تجارت آلمان و IFRS وجود دارد این است که گرچه طبق مقررات حقوق تجارت آلمان تثبیت نتیجه مطابقت به دوره نی حسابی می نماید؛ اما به سبب اصل تسلط حمایه داینین باید مفاد (حاصل) به کمترین ارزش ارائه گردد. در این حالت IFRS بیشتر میلان به ارائه مفاد قبل از وقت (حسابی) یا قبل از تحقق یابی دارد. به عبارت دیگر مفاد ت پیش بینی شده و تحقق نایافته در حسابات اختتامیه به حیث مفا سال حسابی درج شده میتواند.

4-4 قبلاً اشاره شده که قیمت گذاری اقلام دارائی بیلانس و سرمایه و بدهی های کوتاه مدت نظر به مقررات قانون تجارت آلمان به اساس اصل کمترین ویا پائینترین قیمت به عمل می آید. به اساس این ارزیابی ذخایر مخفی تشکیل می شود که باعث تقویه سرمایه شخصی و افزایش قدرت جبران خطر می شود. بارز بودن رعایت اصل احتیاط و اصل نا برابری باعث می شود تا تصدی های اقتصادی به شمول تصدی های بانکی در آلمان و ممالکی که از اصول ذکر شده پیروی کرده اند، در بحران مالی 2007/2008 کمتر به خطرات مالی از قبیل سیالیت مواجه شوند.

از نگاه نظری هر دو سیستم یعنی مقررات حقوق تجارت آلمان و IFRS برای درج حاصلات از اصل تحقق یابی استفاده میکنند، اما این اصول (از هر دو طرف) طور مختلف تعبیر قرار می شود. چنانچه طبق مقررات آلمان یک حاصل صرف در زمان فروش به وجود می آید؛ اما طبق تعبیر قواعد IFRS حاصل وقتی ایجاد می شود که طور مطمئن قابل تثبیت باشد. قاعدتاً طبق هر دو سیستم زمان ایجاد اقتصادی حاصلات مطرح بحث است؛ اما با آنهم سیستم IFRS به مقایسه مقررات حقوق بیشتر متمایل به درج قبلی حاصلات (مفاد) می باشد.

تعبیر متفاوت اصل تحقق پذیری از هر دو طرف جبراً باعث ایجاد اختلاف در اصل مصارف تهیه (7) میشود. طبق نظریه حقوق تجارت آلمان اساساً قیمت گذاری اقلام دارائی (سیار) بلند تر از مصارف تهیه (تدارک) و یا مصارف تولیدی (مصارف فردی یا مستقیم مواد + مصارف فردی تکمیلی یا مصارف مستقیم مزد + مصارف فردی خاص تکمیلی + مصارف مشترک مواد + مصارف مشترک تکمیلی = مصارف تولیدی) ممکن نیست. در قواعد IFRS طبق اصل ارتباط بین مخارج و حاصلات یا matching principle (6)، تعیین کننده است. یعنی مخارج حاصلات را تعقیب می کند. با اساس قواعد حسابداری حقوق تجارت آلمان درج مخارج توسط اصل نابرابری یا imparity principle (6) تنظیم شده است که در قواعد IFRS اصلاً به وجود نمی آید. در نتیجه در حقوق تجارت آلمان به مقایسه قواعد IFRS میلان درج قبلی مخارج وجود ندارد.

قواعد IFRS از نگاه مقایسه رشتوی، منطقی و جهانی برای تصدیهای بزرگ دارای اهمیت زیاد می باشد. به همین لحاظ در آلمان تصدی های بزرگ که دارای شعبات و نمایندگی زیاد در ساحه جهانی مصروف فعالیت اند، در پهلوی ترتیب حسابات اختتامیه طبق مقررات حقوق تجارت آلمان، حسابات اختتامیه و حسابدهی مطابق به مقررات حساب داری بین المللی هم ترتیب می شود تا به این طریق مقایسه تصدی های اقتصادی به سطح جهانی که در عین رسته فعالیت دارند، فراهم گردد.

در افغانستان می توان سیستم حسابداری رامطابق به ستندرد های امور حسابداری بین المللی گرایش داد. اما شرایط فعلی اقتصادی افغانستان طوری نیست که از قواعد ستندرد های بین المللی به صورت آفاقی استفاده شده بتواند. زیرا در افغانستان بازار پولی و بازار سرمایه وجود ندارد، پس تثبیت ارزش منصفانه (fair value) که آفاقی باشد و به حیث معیار آفاقی قیمت گذاری نی دقیق دارائی ها گردد، در حال حاضر در افغانستان قابل تطبیق نیست. نبود امکان تشکیل ذخایر احتیاطی برای تقویه سرمایه شخصی نکته اساسی دیگر است که مانع تشکیل پشتیوانه نی خطر (تقویه سرمایه شخصی) شده، امکان رشد تصدی هائی اقتصادی را از بین برده و ارزش ذاتی تصدی را در مدت دراز تأمین نکند. این نکات منفی باعث می گردد تا از خلال حسابات اختتامیه قدرت سیالیت و اهلیت قرضه تصدی اقتصادی افغانستان به صورت واقعی تخمین شده نتواند.

هم آهنگی اصولنامه تجارت با تعلیماتنامه مالیات بر عایدات افغانستان در قسمت دسته بند و ترتیب اقلام بیلانس و ارزیابی آن با رعایت اصول احتیاط و تحقق یابی یک امر ضروری برای کاهش و جلوگیری از کشیدگی بین مالیه دهندگان و مقامات مالیه میباشد. مزید بر آن تعلیمات نامه مالیات بر عایدات باید همه ساله به اساس حل سوالات جدیدی که درباره ارزیابی اقلام بیلانس ایجاد می شود، توسط شعبه تقنین وزارت مالیه تجدید نظر گردد تا حتی المقدور گریز مالیه وتوأم به آن فساد اداری کاهش یابد. ومن الله التوفیق

د پانو شمیره: له 14 تر 14

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې دلېکنیزې بنې پازوالي دلېکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولی